رهیافت نظریه مطلوبیت به نتیجه بی‌پیمانی خانواده

وحید مهرباني

تاريخ پذیرش: 1392/10/2
تاریخ ارسال: 1393/8/2

چکیده

تحلیل پدیده طلاق در قالب نظریه اقتصادی یکی از موضوعات اصلی اقتصاد خانواده را تشکیل می‌دهد.

این رویکرد تحلیلی، در طرح‌های وابسته به طلاق بر اساس نظریه مطلوبیت، موضوع بحث در این مقاله است.

باید تحلیل چهار فرضیه مهم را مطرح کند: اول، مردان به‌طور مداوم تماشای کنترلی به طلاق دارند.

دوم، با افزایش درآمد زنان تماشای به طلاق نیز افزایش می‌یابد. سوم، اقتصاد زن ازدواج را بی‌پیمان می‌کند.

و چهارم، اکنون طلاق در میان مردان بیشتر از زنان است. به منظور آموزش این فرضیهها، نمونه‌برداری از 354 خانواده از بیش از 40 ساله در شهر تهران به کار گرفته شد.

شواهد حاکی از رشد فرضیه دوم و عدم رشد فرضیه دیگر دارد. همچنین مشخص شد که تفاوت میان مردان و کار خانگی (با اثر منفی) در بین زنان در برابر سه عوامل مؤثر بر احتمال طلاق محسن

واژگان کلیدی: خروج با اعتراض، مطلوبیت، درآمد، طلاق

JEL: D10

طبقه‌بندی: 1

مقدمه

چرخه زندگی خانواده بر اساس طلاق‌های خانواده به انتهای خود می‌رسد. یکی از مشکلات مهم اقتصاد خانواده است به دلیل مرگ زوجین از بیرون اما آن‌ها که چنین رخدادی محصول نموده‌شده‌اند افراد نیست، لذا شکل دیگری از طلاق‌های خانواده به‌طور بی‌پیمان و دردسراند. اگر خانواده موضوع این

vmehrbani@ut.ac.ir

1. استادیار اقتصاد دانشگاه تهران
مقاله را تکیه می‌دهد. افرادی که روی تصمیم به تکیه خانواده و ازدواج گرفتند، ممکن است مدتی بعد تصمیم به جدایی بگیرند و خانواده‌ای را که خود ساخته بودند، به وریا فرویانش بکشانند. دو نگاه متفاوت عوامل و دلایل سیاسی مختلفی باشند که طرف آن و میزان شباهت در جوامع گوناگون امروزی با حتمی یک جامعه در طول زمان متغیر است.

تاکنون غالب مطالعات در زمینه طلاق توسط متخصصان علوم اجتماعی انجام شده است در حاشیه‌ای که به نظر می‌رسد خلاص قابل توجهی در راه‌های بررسی و تدفیق در این زمینه از نظر اقتصادی وجود دارد. به عنوان چند نمونه می‌توان به مطالعات فریش و همکاران (۱۳۷۳) در شهر ساقه آماره کرد که در تلفن اختلالات رفتاری، ارژن‌های جدی، عدم سنایتقبل از ازدواج، ضعف اقتصادی (پیکاری) و تفاوت‌های فرهنگی خلق‌آمیزی از جمله عوامل مهم طلاق بوده‌اند. همچنین همان‌ویژه و بوسی (۱۳۹۰) علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران را بررسی کرده و یک استعفای آنها نشان داد عدم مهارت‌های ارتباطی نسبت به سایر غلطی باعث داشته‌اند نیست. طلاق از رتبه بالاتری برخوردار بوده است علاوه بر این مطالعات عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) تأثیر بیماری بر طلاق برای یک دوره ۴۰ ساله در ایران را موضوع تحقیق شان قرار دادند که مطالعه آن‌ها حاکی از آن بود که ارتباط بین بیماری و طلاق در کودکی آغاز یافته‌است. لحاظ آماری به استناد این ادیب عوامل اما در بررسی معتاد از طلا دانسته است که این افراد دلایل بیشتری تا این‌گونه بوده بر طلاق دارد.

بر این اساس شناسایی عواملی که زمینه‌ساز طلاق هستند، محور اصلی بحث در مقاله پیش بر را تکیه می‌دهد. برخی از این موضوعات از اهمیت و وزارت بیماری برخوردار است زیرا فرویانش همچون خانواده که اساس هر جامعه است و تاثیر آن نقش مؤثر در ایست و اجتماعی دارد، می‌تواند به آمده‌ای ناگوار برای انسان‌ها باشد. در این راستا سازمان‌های مقاله به این ترتیب خواهد بود که در قسمت دوم این مقاله موضوع راجع به انگیزه ایجاد به طلاق و خروج از نهاد خانواده به بحث گذاشته می‌شود. پس از آن در قسمت سوم، چهارچوب نظری مسئله بینی گشته و فرضیات آن ارائه می‌شود. روش تحقیق و
نمودنها در قسمت چهارم معرفی می‌شوند تا یافته‌ها در بخش پنجم ارائه گردد. نتیجه‌گیری از بحث در قسمت ششم انجام می‌شود.

2. ادبیات موضوع

تعلق علم اقتصاد به علوم اجتماعی باعث می‌شود تا حداکثر بخشی از مسائل آن را با عاریه گرفتن برخی مفاهیم از سایر شاخه‌های علوم اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. جدایی زوژین با طلاق یکی از این دسته موضوعات است که در اقتصاد خانواده به بحث گذاشته می‌شود در حالی که برای این منظور می‌توان از مفاهیم مانند خروج و اعتراض معرفی شده از سوی آلبرت هرشنم -باری جست.

خروج در معنای کلی خود به معنای کاره‌گیری از رابطه‌ای است که فرد در کسی که برای کاری که با غربال نتیجه‌گیری نکرده است، خروج نمی‌تواند از جنسیت متغیر کرد. خروج نه در صورتی امکان دارد که بتوان رابطه مشابهی را با فرد با سازمان دیگری مجدد برقرار نمود. خروج مشتریان (یا کارکنان) به عنوان یک علت به مدیریت بنگاه و سازمان بیشتر از این که چیزی نادرست است عمل می‌کند (Hirschman, 1988: 219). در نظر مقابل اعتراضات تلاشی است جهت اصلاح و شاید بهبود رابطه از طریق اظهار گلایه‌ها، نگرانی‌ها و درخواست‌ها برای بهبود. واکنش به صورت اعتراض به حوزه سیاست تعلق دارد اما این موضوع با آنکه به صورت خروج خروج حوزه اقتصادی را در مری گرد چون عملکرد بازار کالاها، خدمات و مشاغل است که بهبود می‌یابد با مصرف کنندگان، خریداران و کارکنان بیشتری می‌دهد که به شرکای کنونی مبادله ناراضی هستند (Ibid).

نکته اعتراض وقتی در درجه اول اهمیت قرار دارد که خروج یا اکلاً ممکن نیست یا مشکل، پرهزینه و آسیب‌زاست. جنین جزئی برای گروه‌های اولیه خاصی مطرح است که

1. Family economics
2. Exit
3. Voice
4. Albert Hirschman
فرد در آن مورد می‌شود مانند خانواده، گروه‌تازایی یا جامعه‌محیط و ملت یا آن سازمان‌هایی که فرد با هدف باقی ماندن در یک دوره طولانی به آنها ملحق می‌شود از قبیل مدرس، ازدواج، حزب سیاسی و بانک (Ibid).

با این‌وسیله از مبانی مفاهیم خروج و اعتراض، می‌توان یادداشت‌گیری و انتخاب کردن، ازدواج در دانش‌آموزی یکی از سادترین مثال‌های خروج-اعتراض است. وقتی یک ازدواج با مشکل مواجه می‌شود، زوجین می‌توانند با از طریق صحت و اظهار نظر رابطه خود را بازسازی کنند یا آن که طلاق بگیرند (Ibid: 223). در این حالت طلاق به ماهیت خروج از زناشویی است و باید ماندن در قلب ازدواج و تلاش برای بهبود رابطه زناشویی نمودی از اعتراض است. تکه‌کا بیش از این چه شرایط برای مؤثر واقع شدن اعتراض ناسازند شود، گزینه خروج بیشتر اهمیت می‌یابد. مثلاً وقتی ماندن زوجین در کانال یکدیگر دشوار است، حاصل طلاق بیش از بیش ممکن می‌شود. در مثال، هر چه زندگی برای مؤثر واقع شدن اصلاح امور با حاصل از اعتراض روشنتر باشد، احتمال خروج کاهش می‌یابد. در این صورت امکان وقوع طلاق کمتر خواهد بود. به منظور ارائه مثالی از کارکرد دو مفهوم خروج و اعتراض در امر طلاق به تغییر قانون طلاق در آمریکا اشاره می‌شود.

در سال ۱۹۷۹ در ایالات کالیفرنیای آمریکا، قانون طلاق تغییر یافت به صورتی که امکان طلاق یک جانبه را داد به جای الزام به اثبات مقتضی بودن یکی از زوجین در برخی جنبه‌های رفتاری، قانون جدید وضعیت طلاق را در زمانی که هر دوی زوجین با یکی از آنها اظهار نموده که ازدواج به طرزی نبود باید بازگشت با شکست مواجه شده، ممکن می‌ساخت. بسیاری از افراد توسط توصیه خروج (طلاق) و تضعیف اعتراضشند. یک قانون قبلی دعاوی حقوقی بسیار بسیاری به آنها داده بود که به نوعی تبعیض عملی قرار محسوب می‌شد. نتیجه آن بود که از هر دو ازدواج یکی از آنها به طلاق منجر گردید (Ibid). بنابراین تغییر قانون طلاق زنگنه را برای خروج آسان‌تر و زودتر از خانواده می‌ساختم.

1. See-saw
2. No-fault divorce
هدف از مطرح ساختن دو مفهوم خروج و اعتراض در تبیین تصمیم‌سازی برای طلاق، زمان‌هایی برای شناسایی عوامل مؤثر بر طلاق و آزمون فرضیه با استفاده از الگوهای رگرسیونی است. به‌دین منظور از نظریه مطلوبیت بر اساس تصمیم برای طلاق با نداوم زندگی زناشویی استفاده می‌شود.

3. چهارچوب نظری و فرضها

یکر (1993) شرط وقوع طلاق و انحلال خانواده را بر اساس تروت کالایی انظاری به شرح زیر توضیح می‌دهد: یک زوج ریسک- خسارت آگر و فقط آگر شرایط زیر برقرار باشد، با توافق طرفین طلاق خواهند گرفت:

$$Z^m < Z^d$$ و $$Z^f < Z^d$$

در رابطه (1) به ترتیب تروت کالایی انظاری شوهر از مزدوج ماندن و مطلقه‌شدن است. به ترتیب برای زن تعريف می‌شود. به نظر یکر، آگر چاپ-زنا انارزان و آسان باشد، شرط لازم و کافی (1) را می‌توان به صورت زیر بین‌داشت:

$$Z^m + Z^f < Z^d$$

(2)

آن‌گاه است که اگر نابرابری (2) برقرار نباشد، نابرابری‌های (1) نیز برقرار نخواهد بود. این امکان وجود دارد که شرط (2) برقرار باشد اما در غیب جزئی بر اساس مجموعه تروت کالایی با به‌نوعی مجموعه مطلوبیت زوجین است که شرط تحقق طلاق را تعیین می‌کند. زوجین به‌طور کلی مجموعه تروت کالایی از دو جفت میرادواند و آگر درباراند که این تروت با مطلوبیت جمعی کمتر از حالات طلاق است آن‌گاه طلاق اتفاق خواهد افتاد. این نتایج که گیره را می‌توان یک نقطه ضعف در تحلیل بکر دانست.

1. Becker
2. Expected commodity wealth
3. در تحلیل بکر در آَا کالایی به طور یکنواخت با مطلوبیت در لایه‌ای است.
4. Risk-neutral
این امری عبارت است که زوجین بر اساس مناطق مشترک در ازدواج در مورد طلاق تصمیم بهای نه تنها به نظر رسید و در صورت ایجاد اختلاف در روند، زندگی می‌دهند، هر یک از زوجین بر اساس منافع فردی و شخصی خود به ادامه طلاق می‌اندیدند. بر این اساس، بهتر است که تصمیم‌سازی برای طلاق را مبنی بر مقادیر مطلوبیت فردی در دور و وضعیت طلاق و عدم طلاق به بهانه گذاشت.

بکر (1975) همچنین معقد است که یک فرد نوعی هنگامی تصمیم به ازدواج می‌گیرد که در یک از طرفین انتظاری حاصل از ازدواج بیش از آن مطلوبیت است که با مجرد ماندن به دست می‌آورد. حال اینهمه از مفهوم خروج-اعتراض در بحث طلاق نیز از همین شیوه تصمیم‌سازی استفاده می‌شود اما در جهت عكس. در صورتی که زندگی زناشویی با ناگواری یا تضاد‌های نه رو و رو شود هر یک از زوجین به طور انفرادی به ارزیابی گزینه‌های طلاق از یک سو با نقاش ماندن در خانواده ارزیابی می‌پردازد و سپس نتیجه می‌گیرد که کدام گزینه مراجع است. یا این مبنا، نمایش وضعیت تصمیم‌سازی فرد i (i=m,f) به صورت ذیل انجام می‌گیرد.

\[ U_i^M < U_i^D \implies \text{خروج (طلاق)} \] \hspace{1cm} (3)

\[ U_i^M > U_i^D \implies \text{اعتراض (اداکی زندگی زناشویی)} \] \hspace{1cm} (4)

بر خلاف نظر بکر در رابطه با شرط (2)، روابط (3) و (4) دقیقاً شرط لازم و کافی برای اقدام به طلاق با اداکی زندگی مشترکند. در صورتی که نیومن این شروط آن است که امکان دارد مثالی یکی از زوجین مطلوبیت انتظاری حاصل از طلاق (U_i^D) را به ادامه مطلوبیت باقی مانند در ازدواج (U_i^M) تصویر کند. اما امکان طلاق و جدا شدن از همسر برآشفته می‌باشد.

شاید دلیل چینی نهایی تاثیر زن و در اینجا به بکر تأثیر بخشی از این باید باشد که طلاق باید بر اساس توافق طرفین صورت گیرد و به همین دلیل محصول کلی موضوع مشترک در و حال طلاق کلی مطرح شود.

۴ هنگام گوناگونی که کُر شیروی‌های این اصطلاح از سوی کلیه طلاق قرار خروج و انتخاب می‌شود که رابطه میان منابع از فرد اپتیزمن دیگری قابل دسترس باشد. این موضوع در مورد طلاق لازم است و این مسئله باشد یا یکی ممکن است یکی از زوجین مطلوبیت حاصل از هر یک زندگی در این طلاق مشاهده می‌شود و در اکثر ازدواج باشد. و با طلاق را برگزید.
نخست، همچنین ممکن است فرد منتفی را در عدم طلاق بداند اما چون همسرش نفع خود را در طلاق می‌بیند و به فرض حق قانونی طلاق نیز با اوست، لذا از همسر خود جدا شود.

به‌ hann اکا که بیانش می‌شود، رعایت حق‌هایی که باعث می‌شود زوجین به انتخاب گزینه طلاق روی آورند. این موضوع در مقایسه با مراحل قبلی در جرخه زندگی خانواده کمتر مورد عکس اقتصادی‌دانان قرار داشته است و متعدد کمی در نشانه‌گذاری تغییر هم در استایل تحلیل این مسائل را باید می‌شود. با این حال تحلیل بر اساس رهایت مطلوبیت ارائه می‌شود تا توانایی شرایط و عوامل زمینه‌ساز طلاق را شناسایی نمود. این اکا بیشتری در تحلیل بیشتری طلاق است که تغییر قابل توجهی نیز با تحلیل بکر دارد. این تمایز به نحوه تصمیم تغییر مطلوبیت، استفاده از محصول‌های بودجه و محلی نشان‌های ازدواج که با وضع‌ساز از دست خواهد رفت بر می‌گردد. مسئله بسیار مهم دیگر در نظر داشتن برخی جنبه‌های واقعی در تصمیم‌گیری مساله، آن‌ها برای طلاق است که با شرایط خانواده ایرانی ارتباط زیادی دارد از جمله مخلوط دادن وجود فرزندان در این امر، به علاوه این اکا امکان طرح و آزمون طلیف ممکن تری از فرضیه‌ها را فراهم می‌سازد که در ادامه بحث به آن پرداخت خواهد شد.

مطلوبیت هر یک از زوجین به طور انفرادی به صورت ثابتی از تعداد فرزندان و مصرف کالاهای خاصی تعیین می‌شود: 

\[ U_j(t) = U_j^0(N_j, X_j(t)) \]

زناشویی (ازدواج با طلاق) است. (j=M, D) است که یک فرد بر اساس مطلوبیت انفرادی در مورد طلاق تصمیم گیری می‌کند. اکنون، یک بودجه پیش روی جریان در دو وضعیت باقی ماندن در رابطه زناشویی و طلاق تصمیح می‌شود:

\[ \check{E}_j + \check{E}_M = \beta_j (\sum_i w_i M_i) = M_i, \sum \beta_j = 1 \]

1. حتی ممکن است که شرایط طلاق می‌باشد اما فردی که منتفی شخصی خود را در طلاق می‌بیند باز هم تصمیم به جدایی می‌گیرد. این حالت می‌تواند به دلیل بروز نقص‌های اجتماعی باشد که مهم‌ترین دانش‌های مربوط به تشکیل و قوام سازمان از طلاق است. به‌گونه‌ای که باعث گزینه طلاق می‌شود.
\[ E_{Y_i} + E_{X_i}^D = w_i^D I_i^D = I_i^D \]

1. Permanent commitment
2. Free-rider problem
دیگر زوجین در آمده خود را با یکدیگر ابنا بگیرند و بر اساس معیاری برای توزیع آن را میان خود تقسیم می‌کنند.

آنچه در اینجا مهم می‌باشد دو نرخ درست‌مزرد و $W^D$ است که به ترتیب درست‌مزرد در حالت ازدواج و طلاق‌اندازی مطالعات قابل توجهی در زمینه منافع ازدواج و وجود دارند. تشان زمان نهایی ازدواج دارای منافعی به صورت افزایش در آمده یا درست‌مزرد است که با عنوان کاندیدای پایدار ازدواج شناخته می‌شود. به عوامل چند نمونه می‌توان مطالعات به‌نام (۱۹۷۶)، (۱۹۷۸)، (۱۹۸۳) و (۱۹۹۵) مهربانی (۱۳۹۴) را نام برد. بدين دیل در صورت خروج فرد از ازدواج با وقوع طلاق انتظار می‌رود که عابدی مذکور تا حدی از بین برود. به عوامل یک نمونه از مطالعات انگلیسی شده در این ارتباط می‌توان به مطالعه جاروس و جنکینز (۱۹۹۹) اشاره نمود. آنها با استفاده از نمونه‌های مشترک بر ۵۰۰ خانوار که ۱۰۰۰ نفر را پوشش می‌داده، به بررسی رابطه میان تعداد طلاق و زوجین در مراحل آنها در قبل و بعد از انجام طلاق در بریتانیا و در فاصله سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۴ پرداختند. نتایج بررسی تغییرات میانه درآمده و تغییرات درصدی سطح درآمده تشان داد که برای این زندگی زناشویی با کاهش درآمده و زنان همراه است. از این رو انتظار می‌رود که نرخ درست‌مزرد با وقوع طلاق کاهش یابد ($W^M > W^D$). بر این اساس می‌توان تفاصل این دوره در تحلیل تصمیم‌سازی برای طلاق دارد. علاوه بر نرخ درست‌مزرد میزان عرضه نیروی کار با استفاده از تغییر وضعيت تأهل متحول می‌شود. اگرگاه نظری مطهوع به تحلیل تخصص زمان بین کار خانگی و بازاری مویان ای این موضوع مستحکم که با وقوع ازدواج، مردان در بازار کار تخصص بیش‌می‌کنند و زنان به سوی تخصصی شدن در تولید خانگی می‌روند (ابکر، ۱۹۷۶؛ مهربانی، ۱۳۹۱؛ مهربانی و همکاران، ۱۳۹۳). معنای این مطلب

1. Marriage premium
2. Benham
3. Kenny
4. Schoeni
5. Jarvis and Jenkins
افزایش عرضه کار مردان پس از ازدواج و در نتیجه کاهش آن در صورت طلاق است.

عکس این موضوع بروز صادق است. در این ارتباط می‌توان با پارسونز (1977) را مورد توجه قرار داد که نشان داد مردان متأهل حدوداً 200 ساعت از مردان مجرد در طول سال کار می‌کنند.

با این مقدمات می‌توان تصمیم به طلاق یا عواملی که ثبات زناشویی را تضعیف می‌کند، مورد بررسی قرار داد. در ونهی اول مقولة مهم در آن مبنا نظر قرار می‌گیرد. مسئله مهم تفاوت در آن می‌ماند و از آن در نظر گرفتن یکی از طلاق است. این موضوع از آنجا حائز اهمیت است که مردان مهم‌ترین دریافت‌کننده خانواده در مقایسه با زنان) هستند و در جامعه امروز ایران حق قانونی طلاق هم با آنان است. از این رو بررسی اثر درآمد مردان بر احتمال طلاق بیشتر مورد توجه خواهد بود.

یک مرد متأهل در می‌یابد که باید از همسر خود جدا شود، درآمدهای برای با حاصل ضرب در میزان اشتغال (L) و را کسب خواهد کرد. در حالی که می‌داند هم کسب و در عرضه کار و کاهش خواهند یافت. به عبارت دیگر می‌توان با عادی حاصل از ازدواج را از دست خواهد داد. اما آنچه در تصمیم‌گیری یک مرد برای طلاق اهمیت دارد درآمد قابل تصرف در دو وضعیت ممکن یعنی $I^D_m$ و $I^M_m$ است. چون درآمد ناشی از کار مرد در قبال خانواده با درآمد همسر جمع شده و سپس تهیه درآمدها نیز می‌شود لذا نمی‌توان به طور قطع در مورد تغییر درآمدها یک اثر نظر نمود. با این حال، اگر درآمد مردان است می‌توان با ترسیل به مقولة خاصی ازدواج تکنیف این مسئله را روشی صادق. بکر (1976) نشان داد که خاصیت ازدواج رباتات می‌تواند با درآمد دارد. یعنی هر چه درآمد بیشتر باشد، نفع بیشتری در پی ازدواج تصمیم و می‌شود. پیرو این مطلب می‌توان دریافت که اگر درآمد قابل تصرف مرد در حالت ازدواج بیش از حالت طلاق باشد، در این صورت هر چه درآمد ناشی از کار بیشتر باشد تفاوت درآمد قابل تصرف از در دو حالت یاد شده (I^D_m - I^M_m) نیز بیشتر خواهد بود. حال که

1. Parsons
چینی است می‌توان اثر درآمد را به طرز شفاف‌تری درک کرد. مورد بحران‌آمیز با وقوع طاق درآمد بیشتری را از دست خواهد داد و این به مراتب (9) میزان کاهش در مخارج بر روی کالاها (\(E_m\)) و در نتیجه کاهش مصرف کالاهای (\(X_m^D\)) برای این بیشتر بوده و لذا مطلوبیت از با کاهش بیشتری در مقایسه با یک مرد کم درآمد را به رو خواهد شد. بنابراین می‌توان این وکلای نیاز درآمد تا تفاوتی کمتری به طلاق خواهد داشت و در صورت بروز ناسانی در ازدواج به احتمال بیشتری رابطه (3) در مورد آن‌ها صادق خواهد بود.

خارج از جاری‌شدن و رهایت مطلوبیت نیز استدلال‌ها در حمایت از اثر منفی وضیعی درآمدی بر میزان طلاق امران شده است. فشارهای مالی در طول زمان ارتباط زن و شوهر را متأثر می‌سازد. این فشارها می‌توانند باعث امنیت‌گیری، فشار عاطفی و افسردگی در افراد شود. زوجه‌ها امکان با پنهان سعی در کنترل یکدیگر می‌کند یا یکی از آنها دیگری را به خاطر مشکلات مالی سرزنش می‌کند. همچنین فقر باعث کاهش عزت نقص مرد می‌شود و در نتیجه بروز استفاده با واکنش‌های مایوس کننده نسبت به دیگران از جمله همسر می‌شود و این مشکلات باعث تشکید تنش‌های زناشویی می‌شود (هچریان و حسنی، 1390: 132).

برخی شواهد تجربی نیز وجود دارد که اثر منفی درآمد، مردان بر احتمال طلاق حمایت می‌کند. به عنوان مثال بکر و همکاران (1977) بر اساس داده‌های مربوط به مردان سفید بوست 325 سال آمریکایی در 1976 در افتادگی در درآمد تا سطح حداقل 4000 دلار در سال اثر منفی بر احتمال وقوع طلاق دارد. ویس و ویلیس (1976) نیز به منظور بررسی این رابطه از 128 مشاهده مربوط به داستان آموزان سال آخر دیرستان در سال 1972 که مشابه برنامه از آن سال مورد سخصص قرار گرفتند استفاده نمودند. مطالعه آنها نیز مؤید اثر منفی درآمد مردان بود بر این ترتیب که افزایش غیر منتظره در توان درآمدی شهوتان خطر طلاق را کاهش می‌داد.

1. Weiss and Willis
زنان طرف دیگر تصمیم‌گیری برای طلاق هستند و بخشی از مجموعه اقتصادی طلاق به اثر درآمده و اشتغال آنها بر وقوع طلاق اختصاص یافته است. به منظور پوشش نظری این مطلب اینکه در صورت ادامه زندگی مشترک به نسبت β درآمده شوره نیز نیست. به طوری که درست می‌آورد اما اگر طلاق بگیرد هر دو به درآمده در آرامیده را از دست خواهد داد. مخصوصاً که به دلیل عدم برخورداری از تجربه شغلی و حرفه‌ای، امکان یافتن شغل پس از طلاق باید برای هر دوی خواهد بود. بنابراین آن‌ها که درآمده قابل تصرف زن در خانواده منهای درآمده او سیز از طلاق مقدار منتی باشد. شاهدین نیز وجود دارند که کاهش درآمده زن به دنبال طلاق را تأیید می‌کنند. به عنوان مثال جاروس و جنکنر (1996) در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافتند که جداگانه زناشویی با یک داشتن بالاتر ملاحظه دارند. واقعیت زنان افراد است. هافمن (1977) نیز با مطالعه بر روی نمونه‌های مشترک به بیش از 400 زن درباره وضعیت زنان پس از طلاق بهتر می‌تواند حالت دنگر آن است. که زن شاغل باشد و نرخ دستمزد درآمده و را در بازار کم‌کنده، قطعاً تفاوت درآمده قابل تصرف و ضعف نشانی و طلاق نسبت به حالت قبلی کاهش می‌یابد. به ویژه که با وقوع طلاق میزان عرضه کاری بارز و افزایش می‌یابد و حتی ممکن است که درآمده او از طلاق را در وضعیت برتر از درآمده قابل تصرف زن‌گذاری قرار دهد.

با این وصف آگر از تغییر میزان عرضه کار در بی‌طلاق امکان شود، می‌توان اثر تفاوت درآمده زنان بر تصمیم‌گیری بر طلاق را بررسی نمود. از آنجا که دستمزد زنان معمولاً کمتر از دستمزد مردان است، افزایش در دستمزد زن (با ثبات نگه داشتن درآمده شوره) منافع تفاوت از تفاوت نیروی کار در ازدواج را کاهش می‌دهد و لذا احتمال طلاق را بالا می‌یابد. به علاوه، "اثر استقلال" این تأثیر را تقویت می‌کند: نرخ دستمزد بالاتر توأم‌ر زن در تأمین خود و فرزندانش پس از طلاق را ارتقاء می‌دهد. بنابراین در میان زنانی که زندگی

1. Hoffman
2. Independence effect

تأثیر وضعيت درآمدی زنان بر تغییر نسبت به طلاق زمینه را برای شناسایی اثر وضعيت نشان می‌دهد. شاغل بودن هم‌زنا در آزماد بودن عمل می‌کند و حس استقلال اقتصادی را در زنان تقویت می‌کند و انتظار دست‌بایی به مانع و مطابق به‌طور بزرگ‌تر با وقوع طلاق را پنهان می‌نماید. نتیجه آن است که استقلال زنان نیز عملی است که در جهت افزایش احساس انتخاب غیرقانونی طلاق از سوی زنان عمل می‌کند.

بحث از تصمیماتی متفاوت می‌باشد که در آزماد در زمینه طلاق، حس در مورد تمایز جنسی تصمیم به طلاق را تقویت می‌کند. آنچه که به این مطلوب دومنی زندگی درجه بالا استقلال اقتصادی مردان در مقایسه با زنان و همچنین تمایز جنسی نرخ دستمزد (درآمد) در بازار استقلال به نفع مردان است. از آنجا که زنان از لحاظ اقتصادی بیشتر به شوران خود انتخاب دارند، تا مردان به هم‌زنان خود و چون مردان در شرایط مساوی

1. Optimal sorting of mates
با زنان از درآمد بالاتری برخوردارند و این نتایج دو جنبه‌ای به ذهن متداوت می‌شود می‌توان بر آنکه با تاثیب بودن شرایط میان مردان و زنان، انگیزه طلاق در میان مردان بیشتر باشد چون انتظار می‌رود که مطلوبیت انتظاری ناشی از طلاق برای مردان بیش از زنان است.

سایر عوامل مؤثر بر طلاق

تا اینجا بحث زمینه شکل‌گیری انگیزه طلاق شناسایی شد اما به منظور دست بالا یافتن به واقعیت‌های بدیهی طلاق و انحلال خانواده ضروری است تا سایر عوامل تعیین کننده تلاقی نیز در بحث لحاظ گردد. در این راستا از ممنوعیت و مطالعات موجود بهره‌گیره‌گرته می‌شود و برخی از مهم‌ترین عوامل که در ارائه شواهد از آنها استفاده می‌شود، معرفی می‌گردد.

آموزش: یکی از عواملی که از دیدگاه بکر بر منافع ازدواج مؤثر است و لذا بر تاثیر ازدواج نیز تأثیر دارد، آموزش است. بکر (1972) بیان داشت که غالبی مورد و زن از ازدواج از مقایسه با مجرد ماندن به طور مستقیم تأثیر سرمایه‌ای آنها قرار دارد که بالاتر آموزش نیز یکی از مصادر بیشتر آن قابل‌توجه‌تر باشد آموزش زوجین بالاتر باشد انگیزه آنها برای طلاق کمتر خواهد بود. اما بکر و همکاران (1977) در این مطالعه بعد گزارنده از اثر آموزش را آشکار ساختند که بر مهم‌ترین اثر خالص آموزش دلائل داشت. به‌ویژه آنها روی دیگر سکه آن است که ازدواج‌های اتفاق افتاده میان افراد برخوردار از سطوح بالاتر آموزش با منافع کمتری همراه است حین نوعاً تخصصی شدن میان زوجین در این ازدواج‌ها کمتر است زیرا زنان بسیاری مشارکت بیشتری در بر بهتر کار دارند (1977: 1146-1147). آنها به طور تجربی به بررسی این موضوع پرداختند اما به رابطه با ثبات از لحاظ علائم و معنی‌داری آماری دست نیافتند.

همچنین منکر و رنکن (1985) بر اساس داده‌های مربوط به طلاق در ایالت کالیفرنیا در مطالعه 1977 به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت مینی آموزش و طول مدت زندگی زناشویی تأثیر نمی‌شود. وس و ویلس (1997) به اثر مثبت (منفی) آموزش مردان و زنان بر ثبات

1. Maneker and Rankin
ازدواج (طلاق) وسیبیدن. این باعث منطقه‌ای با پیشینه نظری بکر (1976) است. به‌عنوان یکی
که آموزش اثر مثبت بر منافع ازدواج و ثبات آن دارد. در حالی که تزیک (1992) در بی‌پرسی اثر
تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی بر طلاق به این نتیجه ارسید که خطر پیشانی
ازدواج در میان زوج‌هایی بیشتر است که از لحاظ آموزشی نامحسوس‌اند اما وکیل و
همکاران (2010) بر اساس نمونه‌های مشتمل بر 174 زوج همیشه و ازدواج کرده در
سوزار متوجه شدند که بر خلاف انتظارشان احتمال طلاق باید زوج‌های دارای سطح
متفاوت و ناهمگون آموزش کمتر است. ملاحظه می‌شود که آموزش از اثر منفی بر
رفتار طلاق برخوردار است. بر منظور برآورده اثر آموزش در تحقیق حاضر از تعادل سالهای
تحصیل افراد استفاده می‌شود که از راه‌یافتن شاخص‌های آموزش محسوب می‌شود. بر این
اساس شاخص آموزش برای فردی که دارای مدرک دیپلم است عدد 12 را اختیار می‌کند.
سن و مدت ازدواج: گفته می‌شود که سن به عنوان یکی از شاخص‌های می‌شود که همسان
همسری مثبت در مورد آن به قوی‌ترین شکل پدید می‌کند. تفاوت‌های سنی میزان مخصوصاً
Lehrer, وقتنی که زن مسن‌تر از شوهر است می‌تواند به‌یکتی کننده ازدواج بانده (2000:59)
یافته مطالعه وی کانو و همکاران (2010) نیز موافق با نتیجه این انتظار طلاق در
فورت مسن‌تر بودن زنان از شوهران است. شاید دلیل اثر منفی اختلاف سنی بر ثبات
ازدواج آن باشد که زوجین با اختلاف سنی زیاد از الگوهای منفی تفاوت و لذا میزان باین تفاهم
برخوردارند. با آن که انتظار می‌رود اختلاف سن اثر مثبت بر احتمال طلاق داشته باشد اما
سن افراد تمایل به اثر منفی دارد. زیرا هر چه سن بالاتر باشد، ازدواج مجدد در
پیش روی افراد کمتر می‌شود و اینکه آنا برای طلاق را کاملاً می‌دهد. یافته‌های بکر و
همکاران (1977) نیز تا حدی بوده باید مطابق اشاره دارد. به‌عقیده آنا سن به آن گروه از
ویژگی‌های شخصی تعلق دارد که با همسان همسری مثبت درآمیخته است.
موضوع دیگر مرتبط با است، سن ازدواج و مدت ازدواج است. انتظار می‌رود افزایش سن
ازدواج از احتمال طلاق بکاهد. دلیل آن است که افرادی که در سنین نسبتاً بالای ازدواج
1. Tzeng
2. Vi Cao et al.
متا کننده با هزینه‌های جستجوی بیشتری رو به رو باشدند و اطلاعات کمتری از خودشان، همسرانشان و بازرا ازدواج در احیاء داشته باشند (1156: 1977). به عبارت دیگر وقتی ازدواج در سن بالاتری رخ دهد، فرد زمان کافی برای یافتن همسر متاسف با خود را می‌یابد و از این رو درجه نسبت ازدواج افزایش می‌یابد. بافت‌نگار تجاربی به دست آمده توسط بکر و همکاران (1977)، بوث و ادواردز (1985) و لهر (1985) (4) مورد تأییدی بر اثر منفی سنجی ازدواج بر احتمال طلاق و بیشتری زناشویی است. در مطالعه هنریان و بیونسی (1930) که بر روی 492 نفر که جهت مشاوره برای حل مشکل زناشویی به گروه مشاوره داده‌گاه‌های خانواده تهران مراجعه کرده بودند انجام شد، بیشترین درصد فراوانی از لحاظ سن ازدواج به گروه سنی ۳۰ تا ۳۵ ساله مربوط بوده‌ام در گروه‌های سنی ۳۰ تا ۳۵.

و بالاتر ۴۰ سال این فراوانی کاهش نشان داده است.

علی‌الاکبر سرویس: ازدواج، مدت زندگی زناشویی نیز بر خطر طلاق مؤثر است. در این مورد نیز انتظار وجود رابطه منفی می‌رود. توضیح این رابطه بین این سرمایه‌ای خاص ازدواج مانند ورود زمان و آگاهی و شناخت از همسر با افزایش عمر ازدواج بشکر می‌شود (57). علی رغم این انتظار وسیع و الیس (1949) رابطه مثبت میان مدت ازدواج و احتمال طلاق را مشاهده کردند در حالی که هنریان و بیونسی (1930) وجود رابطه منفی میان مدت ازدواج و مشکلات زناشویی را در میان زوج‌های تهرانی پافتند.

مدت ازدواج با تعداد سال‌های زندگی زناشویی اندوزه گیری می‌شود.

تغییرات در ویژگی‌های زوجین: تمایزات بیشتر در ویژگی‌های همسری مثل‌الاً از لحاظ استعداد، زمینه‌اجتماعی، زده شده به تازگی احتمال طلاق را افزایش می‌دهد (Ibid). یکی از مهم‌ترین تمایزات که می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلاف و ناسازگاری میان زوجین شود و در نهایت به طلاق منتهی گردد تعامل به طبقات اقتصادی متفاوت است. یکی از این عوامل مختلف بر طلاق ناباید از این عامل عفونت وزید.

1. Booth and Edwards
2. Lehrer
3. Marital-specific capital
انتخاب صحیح در همسر گیری: بکر (۱۹۷۴) به تکنیک طبیعی آشنا می‌کند و آن نقش اعتقاد به اشتباه بودن ازدواج در از هم پاشیدن خانواده است. به باور او هر چه درک ناسان از این موضوع بیشتر شود که ازدواج صورت بی‌درفت‌نه یک اشتباه بوده است، اگرچه برای چگونه زوجین از یکدیگر نیاز افزایش می‌یابد. چنین برداشتی می‌تواند حاصل کسب اطلاعات بیشتر در مورد همسر یا همسران بالقوه دیگر باشد. اگر اشتباه بودن انتخاب همسر آنقدر پر می‌گردد تا بر از دست دادن سرمایه ویژه ازدواج غافل کند آن گاه وقوع طلاق می‌تواند خواهد بود (۱۹۷۴: S23).

علاوه بر متغیرها و عوامل معنی‌دارشان که در مقاله‌ی ابزاری برخی از مقول‌های نیز می‌توانند در انتخاب دخیل باشند. از جمله این عوامل عوامل عمده و اصلی (نماینده) هستند که در صورتی که مرد بیشتر از یک همسر داشته باشد، احتمال آن که هم مرد و هم یکی از همسرانش طلاق باشد افزایش می‌یابد. زیرا در این شرایط مرد احساس می‌کند که حتی با وقوع طلاق از دختران همسر و زندگی نشاندی محرور نمی‌شود و در زندگی معاشرتی با دختران رقیب در امر همسردادی ندارد. یا انتخاب این عامل در مورد مردان از یک متغیر بزرگ استفاده می‌شود که در صورت تمایل مرد به ازدواج مجدداً در داشتن همسر دیگر عدد یک و در غیر این صورت صفر را اختیار می‌کند. در مورد زنان نیز اینکه عمل می‌شود که آخر شهوت‌های همسر دیگری داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این دوست داشتن همسر می‌تواند به عون‌اندازه‌ی بس راه طلاق باشد. نحوه اندوه‌گیری متغیر اخیر به این صورت است که از آزادی خواسته شده تا به میزان علاقه به همسر خود از صفر تا ۲۰ امتیاز دهد. هر چه این عدد بالاتر باید نشان از علاقه بیشتر دارد.

بحث حاضر زمینه مناسبی برای ورود به جزئیات بیشتر راجع به عوامل تأثیر گذشت طلاق و ارائه فرضیه و سپس آزمون آن است. پیرو مباحث بیشتر گفته جهان فرضیه ذیل مطرح می‌شوند:
فرضیه 1: مردان پرآدمت متفاوتی می‌کنند به طلاق دارند.
فرضیه 2: افراد بهترین زنان، احتمال وقوع طلاق نیز افزایش می‌یابد.
فرضیه 3: اشتغال زنان ازدواج را بهتر می‌کنند.
فرضیه 4: انگیزه طلاق در میان مردان بیشتر از زنان است.

این فرضیه‌ها با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از شهر تهران مورد آزمون قرار می‌گیرند.

5. روش تحقیق و نمونه‌ها

روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه روش پیش‌بینی است. این روش تحقیق جمعیت‌های کوچک و بزرگ را با انتخاب و مطالعه نمونه‌های مناسب از آن جوامع برای کشف میزان نسبی شیوع، توزیع و روابط متقابل متنگیرها روابط شناختی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهد (رستگار خالد، 1385: 170). روش تحقیق از ویرگی‌های ذیل برخورد است.

ویژه تحلیل در پژوهش حاضر، با توجه به ماهیت مسئله تحقیق که نیاز به تحلیل وفتارهای فردی است، افرادی به تحلیل را تشکیل می‌دهند.

روش گروه ویژه اطلاعات: با توجه به نوع روش تحقیق و واحدهای تحلیل، روش جمع گروه جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت گروهی و مراجعه مبنایه به نمونه‌های انتخابی است. افزایش جمع‌آوری اطلاعات نیز در‌شماره‌های است.

جامعه آماری: جامعه آماری طرح تحقیق شامل مردان و زنان متأهل حداکثر ۳۵ سالی سن و سناتور شهر تهران است. از آنجا که شهر تهران سهم بسیار قابل توجهی از جمعیت کل کشور را داراست و در آن افرادی از اقوام و فرهنگ‌های مختلف موجود در کشور زندگی می‌کنند، لذا نتایج حاصل از نمونه مورد استفاده می‌تواند حاوی نکات مفیدی باشد.

دلیل دیگر انتخاب شهر تهران محدودیت در منابع مالی، تبریع انسانی و زمان است که مانع کسب اطلاعات از کل کشور می‌گردد.
شیوه نمونه‌گیری از آن‌جا که امکان دسترسی به تمام واحدهای تحصیل وجود ندارد، ناگیر از نمونه‌گیری از جامعه آماری با در نظر گرفتن ضوابط علمی هستیم. به منظور تعیین حجم نمونه از جدول تهیه شده توسط اسرایل (2009) که بر اساس روش کوکر یکدست آمده است، استفاده می‌شود. بر این مبنای با در نظر گرفتن جامعه با بشریت 100 هزار نفر جمعیت،

در مقطع اطمنان 95% و درجه دقت نمونه‌گیری 5% به حداقل 240 مشاهده نیاز است. در راستای تلاش برای آزمون چهار فرضیه بالا از سه نمونه مردان متأهل (515 مشاهده)، زنان متأهل (346 مشاهده) و نمونه کل متأهل‌ها (861 مشاهده) استفاده می‌شود. تجمع داده‌های مردان و زنان و تشکیل نمونه کل افراد متأهل این امکان را می‌دهد تا فرضیه 4 که به تایید جنسیتی در تصمیم‌سازی برای طلاق اشاره دارد را با توان آزمون نموذج جهت تأیید نمونه تعيین شده، به صورت تصادفی به واحدهای تحصیل مراجعه شده است. نمونه در بر گیرنده واحدهای تحصیل از نقاط مختلف تهران باشد. این داده‌ها در بهمن و استفاده 1390 جمع آوری شدند.

5. یافته‌ها

آزمون فرضیه‌ها با کمک برآورش رگرسیونی انجام می‌گیرد به نحوی که متغیر وابسته عبارت است از احتمال طلاق. این متغیر به دو شیوه منجر به شده است. یکی به صورت یک سوالاتی نسبت به گرایش زندگی متأهل که از زنان و مردان از طلاق پرسی شده است که آپ زمینه مربوط به تغییر نسبت به طلاق مردان یا مزایای طلاقی می‌دهد. نتایج این سوالات نشان می‌دهد که طلاق از نظر طلاقی (کفی) است که اگر خود را طلاقی می‌گیرد یا گرایش زندگی متأهل یا مزایای طلاقی (کفی) انگیزه‌های باشد. یکی به متغیر معیار داده می‌شود در صورت انتخاب زن‌های متأهل (طلاقی) می‌گیرد. یا خیر. به این ترتیب انتخاب زن‌های متأهل (طلاقی) صفر در نظر گرفته می‌شود. یک خرید باور و استفاده به‌دنی ترتیب انتخاب زن‌های متأهل که از مردان و زنان در مورد احتمال وقوع طلاق بررسی گردید. و از آن خواسته شد تا احتمال وقوع طلاق را با انتخاب مقداری از صفر تا

1. Israel
2. Cochran
یک معنی می‌شود. از متفق و انتقالی که به شیوه اول اندازه‌گیری سطح است در نمودها مجزای مدرن و زنان استفاده می‌شود و متفق و انتقالی که به روش دوم نسبت به شده است در نموده کلی به کار گرفته می‌شود.

متریکهای مستقل که جهت توضیح تغییرات گزارش به طبقا در نمودها رگرسیون ظاهر می‌شوند اغلب در قسمت سوم معرفی شده‌اند که بیشتر آنها در مطالعات سایر محققان نیز مورد استفاده واقع گشته‌اند. نتایج برآورد معادلات رگرسیون راجع به تصمیم‌گیری برای طلاق در جدول 1 تا 3 گزارش شده است. برآوردگی گزارش جدول 1 و 2 هر سه ستون اول جدول 3 به روش حداکثر راستنمایی انجام شده‌اند که در آنها از گزینه رگرسیون

لاجیت نما مستقیم است. بنا در این دسته رگرسیون‌ها متفق و انتقالی به‌کار گرفته شده‌اند. لذا هر ضرب مقدار تأثیر می‌تواند بر انتساب طلاق را مشخص نشان دهد. اگر رگرسیون‌های تخمین زده برای آزمون فرضیه کلی می‌کند یا برای فرضیه اصلی مقدار ما برآورد مقدار آماری ضریب اهمیت دارد با این حالت اولیه یا متفق ۳ لذا هر گزارش کلی می‌تواند با اطمینان تغییرات مبتنی این در قرار نموده وایت انجام یافته‌اند.

نکته دیگر به معادلات تخمین زده شده کوچک بودن معیار خوبی برای است که دلیل آن استفاده از داده‌های مقفی ۴ است. معمولاً در تخمین رگرسیون‌ها بر اساس این نوع داده‌ها معیار خوبی برای کوچکی مشاهده می‌شود.

1. Maximum Likelihood
2. Hosmer-Lemeshow
3. Marginal effect
4. Robust covariances
5. Huber/White
6. Cross sections
جدول 1: تصمیم به طلاق توسط مردان (الگوی لاجیت)، منفی وایت، نسبت انگیزه طلاق به عدم طلاق

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغیرهای</th>
<th>مستقل</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>(1) (2) (3) (4) (5)</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>زمینه‌های واریتی (درصد) &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>درآمد &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>آموزش &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>سن &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>انتقال همسر &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>سن ازدواج &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>تعداد فرزند &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>علاقه به همسر &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>سن همسر &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>مدت ازدواج &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>تمایل به تعداد همسر &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>طبقه اقتصادی یکسان &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>وضع اقتصادی بهتر خانواده پدرزه از زن &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>جزء ثابت &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>$R^2$ &amp;</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>عدد مشاهدات &amp;</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

تکنیک: اعداد داخل پرانتز در زیر ضرب معنادار از لحاظ آماری، اثربخش برای است. معنادار در سطح
احتمال 1%, $2$ معنادار در سطح 5% و $3$ معنادار در سطح 10% هستند.
جدول 3: تصميم طلاق توسط زنان (القوة لاجيئ). متغير وآليه: لغاريتم نسبته انغى طلاق

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغيرات مستقلة</th>
<th>1</th>
<th>2</th>
<th>3</th>
<th>4</th>
<th>5</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>سن</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
</tr>
<tr>
<td>تعداد جزرته</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
</tr>
<tr>
<td>عائلاه به همسر</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
</tr>
<tr>
<td>سن همسر</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
</tr>
<tr>
<td>مدث ازدواج</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
</tr>
<tr>
<td>انتخال</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
</tr>
<tr>
<td>عرضة كار عقالى</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
<td>-0.07</td>
</tr>
<tr>
<td>طبقه اقتصادى بکسان</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
</tr>
<tr>
<td>درست بدون ازدواج</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
</tr>
<tr>
<td>جنده همسرى</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
</tr>
<tr>
<td>جزء ثابت</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
<td>0.01</td>
</tr>
</tbody>
</table>

R² = 23.1

تعداد مشاهدات = 248

لكنه: اعداد داخل كراتس رز يضبط معانادار از لحاظ آمارى, اث نهایی ضرب مربوط است. * معانادار در سطح احتمال 0.1 ** معانادار در سطح 0.05 *** معانادار در سطح 0.01 هستند.
جدول ۳: تصمیم به طلاق، نمونه کل افراد منحل

<table>
<thead>
<tr>
<th>متغیر رابطه‌ای: انگیزه طلاق</th>
<th>متغیر وابسته: رأی‌گیری انگیزه طلاق به عدم طلاق</th>
<th>متغیر نشان‌دهنده: درآمد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>(گام چهار)</td>
<td>(گام چهار)</td>
<td>(گام چهار)</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۵۸ یا ۰.۷۳</td>
<td>۰.۵۸ یا ۰.۷۳</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۵۶ یا ۰.۷۱</td>
<td>۰.۵۶ یا ۰.۷۱</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۵۴ یا ۰.۶۹</td>
<td>۰.۵۴ یا ۰.۶۹</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۵۲ یا ۰.۶۷</td>
<td>۰.۵۲ یا ۰.۶۷</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۴۹ یا ۰.۶۳</td>
<td>۰.۴۹ یا ۰.۶۳</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۴۶ یا ۰.۶۱</td>
<td>۰.۴۶ یا ۰.۶۱</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۴۳ یا ۰.۵۹</td>
<td>۰.۴۳ یا ۰.۵۹</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۳۹ یا ۰.۵۵</td>
<td>۰.۳۹ یا ۰.۵۵</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۳۶ یا ۰.۵۱</td>
<td>۰.۳۶ یا ۰.۵۱</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۳۳ یا ۰.۴۷</td>
<td>۰.۳۳ یا ۰.۴۷</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۳۰ یا ۰.۴۴</td>
<td>۰.۳۰ یا ۰.۴۴</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۲۷ یا ۰.۴۱</td>
<td>۰.۲۷ یا ۰.۴۱</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۲۴ یا ۰.۳۸</td>
<td>۰.۲۴ یا ۰.۳۸</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۲۱ یا ۰.۳۵</td>
<td>۰.۲۱ یا ۰.۳۵</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۱۸ یا ۰.۳۲</td>
<td>۰.۱۸ یا ۰.۳۲</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۱۵ یا ۰.۲۹</td>
<td>۰.۱۵ یا ۰.۲۹</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۱۲ یا ۰.۲۶</td>
<td>۰.۱۲ یا ۰.۲۶</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۰۹ یا ۰.۲۳</td>
<td>۰.۰۹ یا ۰.۲۳</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۰۶ یا ۰.۲۰</td>
<td>۰.۰۶ یا ۰.۲۰</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۰.۰۳ یا ۰.۱۷</td>
<td>۰.۰۳ یا ۰.۱۷</td>
<td>۰.۴۱ یا ۰.۵۳</td>
</tr>
</tbody>
</table>

*تکه: ۴ اعداد داخل پرانتز در زیر ضرایب آماده است. **اعداد داخل پرانتز در زیر ضرایب آماده است. ***اعداد در سطح احتمال ۰.۱، **۱ معیار در سطح ۰.۰۵ و ***۵ معیار در سطح ۰.۰۱ هستند.

تعادل مشاهدات:

<table>
<thead>
<tr>
<th>تعداد مشاهدات</th>
<th>تعداد مشاهدات</th>
<th>تعداد مشاهدات</th>
<th>تعداد مشاهدات</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۷۷۱</td>
<td>۷۷۱</td>
<td>۷۷۱</td>
<td>۷۷۱</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۱۲</td>
<td>۷۱۲</td>
<td>۷۱۲</td>
<td>۷۱۲</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۱۵</td>
<td>۷۱۵</td>
<td>۷۱۵</td>
<td>۷۱۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۱۸</td>
<td>۷۱۸</td>
<td>۷۱۸</td>
<td>۷۱۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۲۱</td>
<td>۷۲۱</td>
<td>۷۲۱</td>
<td>۷۲۱</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۲۴</td>
<td>۷۲۴</td>
<td>۷۲۴</td>
<td>۷۲۴</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۲۷</td>
<td>۷۲۷</td>
<td>۷۲۷</td>
<td>۷۲۷</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۳۰</td>
<td>۷۳۰</td>
<td>۷۳۰</td>
<td>۷۳۰</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۳۳</td>
<td>۷۳۳</td>
<td>۷۳۳</td>
<td>۷۳۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۳۶</td>
<td>۷۳۶</td>
<td>۷۳۶</td>
<td>۷۳۶</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۳۹</td>
<td>۷۳۹</td>
<td>۷۳۹</td>
<td>۷۳۹</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۴۲</td>
<td>۷۴۲</td>
<td>۷۴۲</td>
<td>۷۴۲</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۴۵</td>
<td>۷۴۵</td>
<td>۷۴۵</td>
<td>۷۴۵</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۴۸</td>
<td>۷۴۸</td>
<td>۷۴۸</td>
<td>۷۴۸</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۵۱</td>
<td>۷۵۱</td>
<td>۷۵۱</td>
<td>۷۵۱</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۵۴</td>
<td>۷۵۴</td>
<td>۷۵۴</td>
<td>۷۵۴</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۵۷</td>
<td>۷۵۷</td>
<td>۷۵۷</td>
<td>۷۵۷</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۶۰</td>
<td>۷۶۰</td>
<td>۷۶۰</td>
<td>۷۶۰</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۶۳</td>
<td>۷۶۳</td>
<td>۷۶۳</td>
<td>۷۶۳</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۶۶</td>
<td>۷۶۶</td>
<td>۷۶۶</td>
<td>۷۶۶</td>
</tr>
<tr>
<td>۷۶۹</td>
<td>۷۶۹</td>
<td>۷۶۹</td>
<td>۷۶۹</td>
</tr>
</tbody>
</table>

عوامل مؤثر بر تصمیم‌سازی مردان در زمینه طلاق در جدول ۱ رؤیت می‌شود. آنچه مشاهده است اثر منفی و معنادار درآمده، سن، علاوه بر هم، سن همسر و مدت ازدواج بر نسبت انجیزه طلاق به عدم طلاق است. با عبارت دیگر مردانی که از درآمدهای بالاتری سن بالاتر، علاوه بیشتر بر هم، همسر سنی یا مدت بیشتر زندگی زناشویی برخورد می‌کنند، تمامی کمتری به طلاق دادن همسر خود دارند. از این رو با اینکه به اثر منفی درآمده و معناداری آماری آن فرضیه ۱ ره نمی‌شود ولی می‌توان اثر منفی درآمده مردان بر خطر بروز طلاق را
به نظرم که ممکن است مورد به تعداد زوجات و نر بزرگ‌تر بودن خانواده شوهر از خانواده زن از لحاظ اقتصادی غنی‌تر است. این مسئله به تعداد ازدواج در مردان بودن، علاوه به محسوسیت منفی مردان در ازدواج، اثر مثبتی در حقوق خانگی ندارد.  

جدول ۲ حاوی نتایج برآورده اثر عوامل مختلف بر طلاق در میان زنان است. 

ملاحظه می‌شود که آموزش زنان اثر مثبت و معناداری بر احتمال طلاق دارد اما سایر عواملی که اثر معنادار آماری بر خوردارند، به طور منفی از این کره طلاق را تأثیر می‌گذارد. در حالی که اثر سن، سن همسر، علاقه به همسر و مدت ازدواج همانند نمونه مردان منفی و از لحاظ آماری معنادار است. اشتباه زنان. اثر بی‌معنی دارد اما میزان خانه‌داری (عذرخواهی کار خانگی) آنها رابطه منفی را نشان می‌دهد به این معنا که هر چه یک زن بیشتر از امر خانه‌داری مشغول باشد کمتر به طلاق می‌اندیده. این نتیجه با بافتگی نظری بیشتر مطابقت دارد. عامل دیگر اعتقاد زن به درستی بودن ازدواج با شوهر است که اثر منفی و معنادار آن به روشی قابل مشاهده است.

۱ متغیر طبقه‌اقتصادی از نوع مجازی است. ۲ و ۳ متغیر ایندازه‌گیری می‌شود: برای متغیر طبقه‌اقتصادی یکسان اگر خانواده مرد و زن در زمان ازدواج وضعیت مشابهی داشته باشند، عدم یک و در غیر این صورت صفر داده می‌شود.

۴ اشتباه یک متغیر مجازی است که در صورت شایعه بودن زن بعد یک و ۵ در غیر این صورت صفر را اخبار میدهد.

۵ اشتباه زنان با تعداد ساعت فعالیت رفاهی در بازار کار سنجش شده است.

۶ این متغیر بر حسب تعداد ساعات فعالیت خانوادگی در طول روز انداده گردیده است.

۷ اگر زن معنادار بوده که ازدواج با شوهر توصیه می‌شود، این مسئله به تعداد ازدواج در مردان بودن، علاوه به محسوسیت منفی مردان در ازدواج، اثر مثبتی در حقوق خانگی ندارد.  این روش بررسی شده که این شرکت‌ها مبتنی بر آنچه که مشاهده می‌کنند و دلیلی وجود ندارد نیازهای دیگر را گره جنسی را در مورد بررسی هدایت نمی‌آید. منظور سوگرایی از نمونه زنان استفاده شده است و چنین مسئله‌ای در بررسی‌های مردان متأهل منعکس نشده است.
به منظور آزمون‌های پژوهشی، اثر تفاوت معنی‌داری در تصمیم به طلاق و برخورداری مبتلای به نام‌نام کل افراد متأهل در جدول ۳۸ می‌باشد. نکته‌های اهمیت، منفعت و معنویت بودن ضریب متغیر جنسیت است. اگر فرد مورد مشاهده مرد باشد، متغیر مجازی جنسیت مقدار یک را اختیار می‌کند و برای زنان صفر را در نظر گرفته می‌شود. بر این اساس، انگیزه انتخاب طلاق در میان مردان به طرز معنی‌داری بیش از زنان است که این یافته مؤید فرضیه ۴ است.

در ستون‌های (۴) جدول ۳ متغیر انگیزه طلاق که به صورت کلی اندازه‌گیری شده در جایی‌های متغیر وابسته فرار گرفته است. ضمن آنکه نتایج به دست آمده از بکار گیری این منفعت همانند نتایج اگری لاجیت (ستون‌های ۱ تا ۳) است اما یک فرق اساسی دارد و آن معنادار بودن اثر مشیت استلال زنان بر احتمال طلاق است. با تواصل این یافته فرضیه ۳ و ۴ نمی‌شود ولذا می‌توان انتخاب زنان را عاملی در بیانات شدن زندگی زناشویی و افزایش انگیزه طلاق دانست.

همچنین برای حصول اطلاعات بیشتر از میزان تأثیر عوامل مختلف بر انگیزه طلاق، اثر هنگامی متغیرها در اگری لاجیت بر اساس جدول ۱ و ۴ تیز محاسبه شده است. در این راه متغیرها معنادار از نظر آماری مبنی بر واقع شده و از میان‌گیری آنها در محاسبه آن‌ها استفاده می‌شود. اعداد داخل پرانتز در ذیل ضرایب، چنین اطلاعاتی را ارائه می‌دهند. اثر هنگامی قرار وارد جدول ۱ و ۴ میزان تأثیر‌پذیری انگیزه طلاق به ازای یک واحد تغییر در متغیر مربوط را نشان می‌دهد. همچنین ستون (۱) جدول ۱ بیانگر آن است که یک واحد افزایش در امردان به کاهش انگیزه آنها در انتخاب طلاق به میزان ۷۰/۴۰ واحد یا ۰/۱۰ عدد منجر می‌شود. بر همین اساس ده میلیون ریال در آرام بالاتر داشته، ۷ عدد از احتمال مذکور می‌کاهد. همچنین یک سال سال بالاتر باعث کاهش انگیزه طلاق به میزان ۷۰/۴۰ عدد در میان مردان می‌شود. به‌طور بیشتر وضع اقتصادی خانواده شوره نسبت به خانواده زن ۱۷/۶ عدد انگیزه طلاق را بیشتر می‌کند. با توجه به اثر هنگامی متغیرها در
جهانل ۱ به نظر می‌رسد عامل تملّیم به تعهد همسر از بیشترین تأثیر بر انگیزه طلاق در میان مردان پرخوردار است.

اثر نهایی متغیرها در جدول ۲ نیز به همین منوال تفسیر می‌شود. اثر نهایی عرضه کار خانگی به از بیشترین جلب توجه می‌کند و این زیرا به طور مطلق بیشتر از سایرین است و بیانگر این است که یک ساعت خانهداری بیشتر توسط زنان انگیزه طلاق را به میزان ۱/۱۹ درصد کاهش می‌دهد. این موضوع حائز اهمیت است زیرا مشابه به میزان مهیا که بردخانگی به خانه‌داری عامل قوی‌تری در مقایسه با سن، علاقه به همسر، سن همسر، مدت ازدواج و اعتقاد به درست بودن ازدواج در کاهش انگیزه و تملّیم به طلاق در میان زنان است.

۶. خلاصه و نتیجه‌گیری

با طلاق عمر خانواده هسته‌ای به پایان می‌رسد و طومار فرد این زندگی در هم پیچیده می‌شود. تصمیم گیری برای طلاق می‌تواند یکی از مصادیق و کاربردهای نظریه خروج، اعتراض و واکنش‌های معنی‌دار شده توسط آن‌ها و هر ارتقاء به گونه‌ای که طلاق در آن معاونت با خروج و صرف نظر کردن از طلاق هم از نظر زندگی زناشویی به عنوان نابسامانی ها به وجود آمده است.

در این مقاله تلاش شد تا با کمک رهایت مطلوبیت، چگونگی تصمیم‌گیری در زمینه طلاق و عوامل مؤثر بر آن بررسی شود. با معرفی تابع مطلوبیت و دو فیلد مخرج - هر یک برای یکی از حالات طلاق و عدم طلاق - اثر درآمد مرد و زن، اشتغال زن و جنسیت بر تصمیم به طلاق کننام گردید. این تحلیل به پیشنهاد می‌کند که مردان بر درآمد در مقایسه با مردان کم درآمد انگیزه کمتری برای طلاق داده همسر خود دارند در حالی که در مورد زنان عکس این مطلب انتظار می‌روید. همچنین این نظره ادعای آن را دارد که اشتغال زنان عامل بیشتر کننام ازدواج است و مردان نسبت به زنان انگیزه بیشتری برای طلاق دارند.
به منظور آزمون فرضیه‌های مطرح شده از داده‌های جمع‌آوری شده از مردان و زنان متأهل دارای دست کم ۳۵ سال سن استفاده شد. بافت‌هایی به دست آمده حاکی از آن است که در آمده مردان اثر منفی بر احتمال وقوع طلاق دارند اما درآمده زنان اثر مثبتی را نشان نمی‌دهد. همچنین اشغال زنان منجر به افزایش احتمال طلاق در خانواده می‌شود و انتخاب مردان برای انتخاب گزینه طلاق بیش از زنان است.

بر اساس پایه‌های حاصل شده می‌توان چنین استنباط نمود که به‌هیاهو وضعیت در آمده مردان در جامعه یکی از مهم‌ترین روآهای کمک به ثبات خانواده است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد اشغال زنان در جهت متنزه‌سازی خانواده عمل می‌کند که این امر می‌تواند آن حدودی تأکیدی باشد بر عدم حمایت همه جانبه از ایجاد فرصت‌های شغلی به نفع زنان و به ضرر مردان. به عبارت دیگر در صورتی که مردان بیکار در جامعه وجود دارند افزایش شرکت اقتصادی زنان و سرانجام مشاغل از مردان و سپردان آنها به زنان و چند ممکن است توجیهی اقتصادی داشته باشد اما این امر می‌تواند برای بیشتر زنان خانواده در جامعه را در پی داشته باشد. با این حال این مطلب به معنای تلاش برای مبارزه با هرگونه اشغال زنان و در هر شکلی نیست بلکه تها هشداری است برای رشد غیرموجه اشغال زنان در جامعه.
فهرست مراجع

رسنگار خاندل، امیر (1385)، خانواده-کار-جنسیت، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.

عیسی‌زاده، سعید، بلایی، اسماعیل و علی محمد قدیسی (1389)، تحلیل اقتصادی طلاق: بررسی ارتباط بیکاری و طلاق در ایران طی دوره 1385-1388، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال سوم، شماره 1، صفحات 7-8.

قریشی، فرید؛ شیرمحمدی، داود و آواتر بروجدان (1393)، هم‌فعالی طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته: مطالعه مرحله ای شرکت زنگنه، فصلنامه بزرگسازی، سال سوم، شماره 1، صفحات 30-31.

هایی راهبردی، وحید، و نظم، جامعی، سال سوم، شماره 1، صفحات 19-20.

مهری‌نژاد، وحید (1391)، بررسی اقتصادی تصمیم‌گیری در جرخه زن‌گذاری خانواده، رساله دکتری دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.

مهری‌نژاد، وحید (1393)، دیواره و منابع اقتصادی تشکیل خانواده: آزمونی از اثر برجامه هم‌فعالی مطالعه، مجله تحقیقات اقتصادی، دو هفته 49، شماره 1، صفحات 31-32.

مهری‌نژاد، وحید؛ احمدی‌نژاد، مجید؛ رهبر، فرهاد؛ عبادی، قهرمان و شهلا کاظمی‌پور (1393)، دیواره و عرضه کار خانواده زنان: یک بررسی نظری و برخی شواهد، نشر حقوق و توسعه، دوره 1، شماره 3، صفحات 2-31.

مهری‌نژاد، مسعوده و سید جلال بهنی (1395)، بررسی عمل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران، فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، سال اول، شماره 3، صفحات 125-135.


Israel, G. D. (2009), Determining Sample Size, University of Florida, Department of Agricultural Education and Communication.


